



انگن مرکزی ضرب توده ایران

مبارزه قهرمانانه کارگران اصفهان

یکباری و سربلای خویاری بدست هم کارگران را شکست میدهد

زحمتکش تاج قوم از واقع تری بیچار
می آید. دولت میزما برای محرم
آلای انگلیس و امریکایی بر بازار
ایران باز گذاشته و سرمایه داران و
سامیان کفرخانه ها می آنگه به سرکوش
هزارها کارگر بیچاره کفرخانه مارا تحویل
میکنند و سرمایه های خود را بر راه
برسد تری. حتی وارد گسرن آلامی
امریکایی بکار می آورند. هر چند که
این راه توده های زحمتکش را به فرو
بندی می کشند.

به مدد پیشگامانه قهرمانان
تحویل داده و هزارها کارگر بیچاره
بیکاری برای کارگری می خرد. بخری سرگ
می از میان رفتن خانواده. این فرزند
فرستای و ستان.
کارگران بیکار شده به این اقدام
سامیان کفرخانه کشتی با قانون کارمو
میست دارد. اعتراض کردند و چون
سامیان کفرخانه از بدترین افراد امریکایی
آنها سر باز زدند. صتا زبانی از کار-
گران دست چینی به تهران آمدند. کار-
از کارگران در بر راه جان میزد. کار-

تاکنون چند کارخانه در اصفهان تحویل
شده است و هزارها کارگر به فرساید و
بستی نهدید می شوند. سیاست خائفانه
دولت ایران هر روز برای توده های

پلیس را

عاجز تر و بیچاره تر سازیم

بکطرف قدرت و نیروی حزب
توده ایران و ملطز افغان فعالیت-
های بیدار کننده آن و از طرف
دیگر ضعف و عجز پلیس و ستاد
ارتش را در انجام قتل های
حکون آمیز و ماجرا جوینانه
«انحلال» حزب توده ایران آشکار
می سازد.

ستاد ارتش افراد ایرانی را به
و همکاری با وحشیگامی دولتی و پس
بقیه در صفت ۲

روزه که بکسال تمام است که
و ستاد ساکنان ایران ساخن و عمل
شیور. حرف بسز که توده ایران را
فرقانونی اعلام نمود و آرا و حزب
ساز و «حزب منصف» سرخی ساخته
است. در این بیکسالی متداولش پلیس
و دولت شکنان ساعد همه نیروهای خود
را بر ضد حزب ما بکار انداخته. قوس
های مارا اشغال و روزنامه ها و نشریات
مارا توقیف کردند. رهائی مبارز ما را
و دسته اران آن منوسل به روش نهدید
از ارباب شده. برای محرم شه برتر به
حزب ما مستشاران سوختی جهت شهرتایی
استفاد کردند. محیطی نه کنند و
تاریک به وجود آورند تا به خیال خود
از نفوذ روحانی درخشان افکار حزب
توده ایران جلوگیری نمایند.

خاندان سلطنتی چه میکنند؟

استای امیربالیستی کلا ملی کردند است
برای خاندان سلطنتی ایران قسط بک
بیکجا موجود دارد و آن ملت ایران است.
خاندان سلطنتی ایران از روز گسرن
توجه های بیچاره مانده اجداد فرارند
نظامی تا سرمایه تری کارهای نجومی
نمود و «در سرزمین امپریالیسم امریکا
مورت میدهد»
«قریب ملت را با جنگ با آوردی
که خاندان سلطنتی در اروپا و امریکا
برای کفرانی خویش بر آنگه می کند
فر کار هم بکنار به تا سلوم شود که
غارت ملت ایران با چه بیاری طلب
میگردد. شاه کشور مشروطه طبق قانون
اساسی مانده هر مستخدم دیگر مستاداری
بقیه در صفت ۲

اکثر اعضاء خاندان سلطنتی در ایران
نیتند. شاه نیز پس از افغانت چهل و چند
روزه خود در امریکا در صفت گفته به
ایران باز گشت. خاندان سلطنتی با یاری
که از افراتر دستر جمع مردم زحمتکش این سر-
زمین مستاد آمده دور از ایران با فودا دل
کنور به عیش و خوشگذران مشغول است.
آتش قمر سر امر ایران را بسوزاند
هر روز و زحمتکش اقتصادی دولت تانیه
می شود. هر صت غیر تحویل بک موس
و با بک کارخانه می موس صفا هر کارگر
از این بر سیل بیکاران بیچاره این فرود
میگردد. مردم زحمتکش آذربایجان
دواز استیصال هزار هزار به طهران
کوچ میکنند و در کوچ های پاهفت
از سیوال جان میکنند. ولی میان روزها
نامه های که این اخبار را میدهند عکس
شاد را منتشر می نمایند که در لوس آنگو
چرا ن امریکا مشغول سواری است و
با در تان اسنر قضا میکند. با در
فلان میقات جسم میگیرد. با به فلان
آوریت دل میدهد. باز میچیز و نامه ها
فریاد های شاه می شنوند که او بکنم
از حال ملت غافل نیست!

روز به قیام و آثار ملت کارگران
که از مشتاقان بیکاری و گرسنگی جان
آمده بودند و به صیان کشیده می شدند.
آنها صحن به فرساید رفتند و به فر
نمایند برای سار کاره با اعتباران و
سامیان کفرخانه فرستادند. مبارزان
پشتند کردند که کارگران سوابق خود را
دورباری صلح تجویز می فرستادند. بانه آن
کارگران این پشتند. ضرورت را در
کردند. تصاحب ایران کفرخانه و وصایت
کارگران کردند می آورد. صتا از و
سامیان کفرخانه بیکاری و کتف توری را
با حلی رسانند که برای آزادی
نمایند گنی آنها باک پلیس را «کارگر»
کردند. کارگران صیالی به مقدم
برداشتند و نمایندگان خود از میدان
گرفتند. سامیان کفرخانه دستیار نشانی
صفا برداشتند و نمایندگان کارگران
را از کفرخانه باز کردند و در آنجا
نگاه داشتند.
خوب و صیادان کارگران اوج
میگرفت و آنها را «مبارزه» و گوش
فرضی برای صحن می ساختند. کارگران
که دیگران تحمل داشتند برقی. تصاحب
نمایند خود «حزب محرم»
مدرسان و سامیان کفرخانه به فراموشی
می منوسل شدند و برای آن سر بازان
صلح «کفرخانه» بر بستند. زود خود
خوبی میان کارگران و سر از این گرفت
خرمت سر برده ها و کارگرا به شدت
بقیه در صفت ۲

تصمیم دلبرانه کارگران بنادر فرانسه

اتحادیه های این کشور است و در حدود ۵۰ درصد کارگهان بسری در آن صورت
دارند تصمیم گرفته است از خالی کردن کشتیهای که فرات است ملق فرارند
تجاوز کفرانه آتلانیک شمالی استی جنر امریکا به فرانسه صل نماینده خود
داری که. شنا همین اتحادیه طی بیلی تصمیم شجاعانه خود را به کارگران
سایر امریکا و ابلق دو کراة ایالتیوس امتش اصلاح داده و از آنان خواست است
که به کارگران فرانسوی تاسی صت به مشغول شتر کردن ملیت متشکلند
امپریالیستها و کتف صلی به فرغاری صلح ندادم که «دود ملاقه کاب رست»
کشتن مردم هلندی سرانتر جهان است! از بارگیری چند کشتیهای اصولا خودهداری
و مسات نمایند.

روزنامه های دولتی همه این اخبار
را در دم می آمیزند و کورن نداد فلان
آنها را درک نمیکنند. آبا شکه نیست
که مردمی توجهات خود را در افروغ
کنوی به چنین کارها معسور کند. شاه
در اجین روابط خارجی امریکا گفت بود
که شلارخی باید ازین برود. اینک
خاندان سلطنتی ایران این شمار را به

چا ص بین مردم ایران نفوذ پساته و
قتلهای شکن و دشمنان استقلال و آزادی
ایران که میخوانند ملت را از حیثیاتی
خود بیخبر نگه دارند و آنها را چشم بست
به قرباننگاه امپریالیسم بریند تلخه املاره
باصم موقتیت مواجه کرده است.
اعلامیه دانستان ارتش در
حقیقت مدوک روشی است که از

زنجیرها سر و پا آزادی فردا را میسرایند

